

قرآن و مسأله خاتمیت

چگونه قرآن بر خاتمیت پیامبر اسلام گواهی میدهد؟

سؤال: دوشیزه و آنسه ریحانی سؤال میکند
که . مسلمانان جهان، به پیروی از کتاب آسمانی
خود بر این مطلب اتفاق نظر دارند که پیامبر اسلام،
خاتم پیامبران ، و آخرین سفیر الهی است ؛
که برای هدایت بشر برانگیخته گردیده ، و آئین
و کتاب و قرآن او ، آخرین آئین و کتاب آسمانی
است که برای جامعه بشری فرورستاده شده است ،
اکنون بفرمائید در کجای قرآن به خاتمیت پیامبر
اسلام تصریح شده ، تا از این طریق ، هر گونه راه

شک و تردید به روی افراد بی غرض بسته شود .
پاسخ : نخست باید توجه نمود که شرایع
آسمانی اگرچه در آغاز نظر ، به صورت شریعتهای
مختلف جلوه میکنند ، و انسان تصور میکند، ادیان
متعدد و گوناگونی برای بشر عرضه شده و رابط
آنها ، از هم گسسته است، و حدمشترکی میان آنها
وجود ندارد ولی حقیقت برخلاف این تصورات
بلکه از روز اول ، ارکان نخستین شریعتی که
وسیله حضرت نوح برای بشر عرضه شده ، (۱) :

(۱) شاید برای گروهی تصور این مطلب که نخستین شریعت آسمانی ، برای بشر ، وسیله حضرت نوح
عرضه گردیده است مشکل باشد و با خود بگویند : چگونه می توان گفت : برای نخستین بار، شریعت آسمانی
به وسیله حضرت نوح برای بشر عرضه شده است در صورتی که پیش از وی پیامبرانی برای هدایت مردم بر
انگیخته شده بودند ، ولی با توجه به يك مطلب این مشکل خود به خود برطرف می شود ؛ و آن اینکه اعزای
انبیاء ، همراه با فرستادن شریعت نیست ، زیرا مقصود از شریعت يك رشته قوانین فردی و اجتماعی است که بشر
را به سوی تکامل مادی و معنوی سوق دهد، فرستادن چنین شریعتی فرع ستمداد و آمادگی فکری و روحی —

مسلمانی بیش نبوده است (۳)

بنا بر این شرایع آسمانی در حقیقت شریعت واحدی هستند که بر اثر تکامل اجتماعات بشری و پیدایش نیازمندیهای روزافزون، تکامل یافته و سرانجام به صورت يك آئین جامع به وسیله خاتم پیامبران؛ برای بشر، عرضه شده است، و در حقیقت این آئینها به سان کلاسهای مختلفی هستند که از دبستان شروع و به دوره دکترا و ختم تحصیل منتهی می گردد.

* * *

دلایل خاتمیت

مسأله خاتمیت، و خاتم بودن پیامبر عالیقدر اسلام از نظر علماء و دانشمندان اسلامی، از ضروریات دین و بدیهیات آئین مقدس اسلام به شمار می رود، و هر فرد بیگانه و اجنبی، پس از تماس با افراد و جامعه های اسلامی، این حقیقت را به خوبی

حقیقت شریعتی که برای پیامبر خاتم نازل گردیده است، یکی است؛ وجهات مشترك زیادی میان آنها وجود دارد که همه آنها را به صورت يك آئین واحد و بهم پیوسته، که به مرور زمان و تکامل اجتماع، تکامل یافته است، در آورده، و سرانجام به شکل يك آئین جامع که بشر را از هر نوع تشریح و قانون بی نیاز ساخته، عرضه شده است.

از این نظر، قرآن اعلام میکند که از روز نخست خداوند جز يك آئین و آن هم آئین اسلام، است؛ آئین دیگری برای بشر تشریح نکرده است (۱) و هر گاه بشر، جز این آئین، از آئین دیگری پیروی کند؛ از او پذیرفته نخواهد شد (۲)

قرآن مجید، افکار گروهی را که ابراهیم، قهرمان توحید را یهودی و یا نصرانی، معرفی میکنند، سخت تخطئه کرده و می گوید ابراهیم

→ بشر برای پذیرش آن است، و تاشایستگی برای درك مفاهیم دین، و نیاز به جعل قوانین در آن پیدانشود، انزال شریعت و جعل قوانین برای آنان افئو و بیهوده خواهد بود.

از این نظر برنامه پیامبران پیش از نوح بسیار ساده بوده و از حدود دعوت به مسائل فطری که هر فرد با سرشت انسانی، آن را درك می کند تجاوز نمی کرد و بر اثر کمبود استعداد و نبودن زندگی دستجمعی در میان انسانها که شارع را برای تشریح قوانین ملزم سازد، سفرای آسمانی برای بشر از طرف خداوند حامل پیام خاصی و شریعتی نبوده و فقط مأمور بودند که آنها را به سوی ادراکات نخستین انسانی مانند توجه بخدا، و نیکی به انسانها، و دوری از ظلم و تجاوز و... که برای انسانها فطری و قابل درك است هدایت نمایند.

(۱) ان الدین عند الله الاسلام (آل عمران - ۱۹)

(۲) ومن یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه (آل عمران - ۸۵)

(۳) و ما کان ابراهیم یهودیاً ولا نصرانیاً لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من (المشرکین، آل عمران - ۶۷) مقصود از اسلام در این آیات همان تسلیم در برابر اراده خدا است به طوری که جز خداوند ولی. برای خود اختیار نکند.

اداره ، موقعیت خود را هنوز حفظ کرده است مهر نامه و یاسند؛ علاوه بر اینکه گواه بر صحت انتساب آن به دارنده مهر است ، خوددلیل بر ختم و پایان یافتن نامه و سند به شمار میرود ، و در نتیجه محتویات نامه و یاسند تا آنجا اعتبار دارد ، که در محدوده مهر قرار گیرد چیزی که خارج از محدوده مهر باشد از اعتبار ساقط بوده ، و ربطی به صاحب مهر ندارد .

در گذشته برای بستن در ظرفهایی که محتویاتی مانند عسل و سرکه و انواع مایعات داشت به جای وسایل امروز ، از قیرو یا گل مخصوصی (۱) استفاده نموده سپس روی آن را مهر میکردند تا دلیل بردست نخوردگی آن باشد (۲)

خلاصه «خاتم» یعنی چیزی که با آن نامه ها و اسناد ، و دفاتر و ظروف مهر میشد (۳) و اگر در زبان عرب به انگشتر «خاتم» می گویند برای این است که در گذشته مهر آنان انگشتر آنها بود ، و سلاطین و شیوخ قبائل و بزرگان مملکت ، نامه و اسناد رسمی خود را با انگشتر خود که معمولا نام شخص در آن حک می شد مهر می کردند (۴)

درک و لمس میکند ، و هرگز ممکن نیست که فردی در یک محیط اسلامی زندگی نماید ، اما موضوع خاتمیت ، به گوش او نخورد و از آن آگاه نگردد و این خود نشانه ضروری بودن مسأله خاتمیت پیامبر اسلام است .

هر گاه از «ضروری» بودن آن و اینکه خاتمیت مورد اتفاق و اجماع مسلمانان جهان است بگذریم از میان آیات قرآن ، روشنترین آیه ای که بر خاتم بودن پیامبر اسلام تصریح میکند آیه زیر است :

« ما كان محمد ابا احد من رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين وكان الله بكل شيء عليما (احزاب- ۴۰) » محمد پد رهیب يك از مردان شمانیست اور رسول خدا و خاتم پیامبران است خداوند به هر چیزی عالم و دانا است .

برای روشن شدن مفاد آیه ؛ لازم است که پیرامون لفظ «خاتم» توضیح داده شود :

خاتم در لغت عرب ، به چیزی گفته میشود که با آن آخر نامه ، مهر میگردد ؛ در گذشته مهر انسان جایگزین امضای امروز او بود ، و هم اکنون اسناد و نامه های مهم را علاوه بر امضاء ، مهر نیز میکنند . و در دوائر دولتی و مقامات رسمی مهر

(۱) در لغت عرب به آن «خاتم» میگفتند و مقصود از آیه «و خاتمه مسك» نیز همین است یعنی چیزی که با آن درهای مایعات بهشتی را ، لاک و مهر می کنند ، بوی مسك می دهد .

(۲) مقدمه ابن خلدون ج ۱ ص ۲۲۰

(۳) و در کتابهای لغت و تفسیر هنگامی که لفظ خاتم را تفسیر می کنند ، می گویند : «خاتم» به معنی «لما»

پختیم به» است یعنی چیزی که با آن نامه و سند و غیره مهر می شود .

(۴) مقدمه ابن خلدون ج ۱ ص ۲۲۰

الهی، اعلام گردید و غرض از اعزام رسل و پیامبران، به آخر، رسیده گوئی که وجود او بسان مهر است که به باب نبوت خورده و این در را برای ابد به روی بشر بسته است.

* * *

تصرف غلط در معنی خاتم

خنده آور، تصرف نابجا و مضحکی است که برخی از فرق ضاله درباره «خاتم النبیین» انجام داده‌اند و برای اغواء مریدان خود، چنین وانمود کرده‌اند که مقصود از «خاتم» در آیه همان انگشتر است و هدف از تشبیه پیامبر به انگشتر بیان موقعیت پیامبر در میان پیامبران می‌باشد، زیرا همانطور که انگشتر زینت دست به شمار می‌رود، همچنین وجود پیامبر اسلام در میان پیامبران؛ زینت آنان می‌باشد این تأویل به قدری سست است که حتی پایه گذار این مسلك و حزب در برخی از کتابهای خود ناچار شده است که خاتم را به همان معنی صحیح خود تفسیر کند و این تاویل خنك را رها سازد (۲) تفسیر خاتم به انگشتر يك نوع خیال‌بافی است که برای فریب دادن ساده لوحان، صورت گرفته است و هرگز در لغت عرب معنی واقعی «خاتم» انگشتر نیست بلکه همانطور که گفته شده به معنی چیزی است که با آن اسناد و دفاتر را مهر می‌کردند، و اگر به انگشتر نیز خاتم می‌گفتند برای این جهت بود، که با آن نیز نامه و دفتر و سند را امضاء و مهر می‌کردند.

دعوت خود را گسترش دهد و با پادشاهان و زمامداران وقت مکاتبه نموده و سفیری اعزام نماید دستور داد که برای او انگشتری تهیه نمایند که در آن «محمد رسول الله» حک گردد. وی تمام نامه‌های خود را با آن انگشتر مهر می‌کرد (۱) بنابراین معنی ابتدائی «خاتم» انگشتر نیست بلکه مفاد اولی آن همان وسیله‌ای است که با آن نامه و اسناد و احیانا درهای ظروف، مهر می‌شد و اگر به انگشتر خاتم می‌گفتند برای این بود که با آن دو کار انجام می‌گرفت.

هم امروز در کشورهای عربی به انواع مهرها از فلزی گرفته تا پلاستیکی که با آن نامه و اسناد و دفاتر دولتی، مهر می‌گردد، و یا خانه و انبار و مؤسسه‌ای، لاک و مهر، میشود «ختم» می‌گویند. روی این بیان، معنای «خاتم النبیین» روشن گردید، زیرا مفاد آن این است که محمد (ص) شخصیتی است که با آن درهای نبوت که از زمان حضرت آدم تا زمان وی؛ به روی بشر، باز بود، مهر و بسته شد. و این فیض الهی بر اثر بی‌نیازی جامعه انسانی، از پیامبر و دین مجدد به پایان رسید، و بار دیگر پیامبری پس از وی نخواهد آمد. و همانطور که با مهر؛ پایان یافتن محتویات نامه اعلام میگردد و میرساند که مقصود نویسنده از نامه به آخر رسیده است، همچنین با اعزام پیامبر اسلام، پایان یافتن این فیض و به آخر رسیدن و ختم جریان این موهبت

(۱) طبقات کبری ج ۱ ص ۲۵۸

(۲) اشراقات ص ۲۹۲

به معنای مهر است ولی هدف از توصیف پیامبر به «خاتم پیامبران» همان تصدیق حقایق انبیاء گذشته است زیرا همانطور که مهر گواهی بر صحت مضامین يك نامه می دهد ، همچنین پیامبر اسلام نیز بر صحت و استواری همه پیامبران ، گواه است .

این تفسیر از نظریه پایگی دست کم از اولی ندارد . زیرا درست است که مهر بر صحت يك نامه گواهی میدهد ولی هرگز در لغت عرب ، سابقه ندارد که به شاهد و گواه خاتم بگویند به طوری که اگر کسی پای نامه ای را امضاء کرد و یا بر حادثه گواهی داد ، بگویند او «خاتم» است گذشته از این تصدیق انبیاء از خصائص پیامبر اسلام نیست و هر پیامبر بعدی نه تنها مصدق پیامبر پیشین ، بلکه تمام انبیاء گذشته بوده است خداوند حضرت مسیح را چنین معرفی میکند : «و اذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم و مصدق لما بین یدی من التوراة» (الصف - ۶) بیاد آروقتی که حضرت مسیح به بنی اسرائیل گفت من رسول خدا به سوی شما و تصدیق کننده توراتی هستم که در برابر من قرار دارد .

ضمناً باید توجه داشته باشیم که دلائل قرآنی خاتمیت ، منحصر به ابن آیه نیست ، بلکه آیات متعددی بر خاتمیت رسالت جهانی پیامبر اسلام گواهی می دهد و برای ، اختصار فقط به تفسیر يك آیه پرداختیم .

مادر تفسیر قرآن هرگز حق نداریم از پیش خود ، برای لغتی معنایی بتراشیم بلکه باید از استعمالات رائج در میان عرب زبانان پیروی کنیم ، در صورتی که هیچ گاه در لغت عرب لفظ خاتم کنایه از زینت به کار نرفته و هرگز نمی گویند : فلانی خاتم خانواده خود است و مقصود این باشد که او زینت آنها است ، و اگر هدف از توصیف پیامبر ، به خاتمیت بیان موقعیت او در میان آنان بود ، و اینکه او زینت این گروه است لازم بود از استعمالات رائج در این زمینه پیروی نموده و بگوید : پیامبر اسلام تاج و کلید انبیاء است .

چهارده قرن همه مسلمانان جهان از این لفظ همان معنای خاتمیت فهمیده اند و در احادیث اسلامی در بیان موقعیت پیامبر نسبت به خاتمیت این لفظ بکار برده شده است .
امام صادق (ع) میفرماید :

ان الله ختم بنبیکم النبیین ؛ فلا -
نمی بدهد ؛ و ختم بکتابکم الکتب فلا -
کتاب بدهد ؛ و انزل فیه تبیان کل شی (۱)
: خداوند به وسیله پیامبر شما ، باب نبوت را ختم نمود ، دیگر پس از آن پیامبری نخواهد آمد . و با کتاب او به نزول کتاب آسمانی پایان داده پس از آن ، دیگر کتابی نازل نخواهد شد ، این کتاب روشنگر همه چیز است .

برخی از آنان تصرف نابجای دیگری در لفظ «خاتم» نموده اند ؛ می گویند که : خاتم در آیه